خبر

کتابخانه‌ها باید کانون تعامل اجتماعی باشند

معاون فرهنگی و هنری سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری اصفهان با تأکید بر ضرورت تغییر نگرش به کتابخانه‌ها گفت: ترویج فرهنگ مطالعه نیازمند پیش‌قدم شدن مسئولان و فعالان فرهنگی و تبدیل کتابخانه‌ها به فضاهایی برای پرسشگری، تعامل اجتماعی و افزایش آگاهی شهروندان است.

امیرحسین ستوده‌فر به مناسبت گرامیداشت هفته کتاب و کتاب‌خوانی، در «آیین تجلیل از کتابداران» اظهار کرد: خوشحالیم که امروز در جمع افرادی حضور داریم که بخش مهمی از فعالیت‌های فرهنگی جامعه بر عهده آن‌هاست و امیدواریم با حفظ ارتباط و تعامل با این مجموعه، زمینه تقویت فعالیت‌های فرهنگی و ترویج کتاب‌خوانی را فراهم کنیم. او با بیان اینکه برای رقم زدن اتفاقی مؤثر در حوزه کتاب و کتاب‌خوانی، باید نگاه خود را به این موضوع تغییر دهیم، افزود: کتابخانه‌ها و فضاهای مرتبط با کتاب نباید تنها در چارچوب‌های مرسوم و سنتی فعالیت کنند، بلکه باید به‌عنوان تسهیلگران فرهنگی در جامعه حضور داشته باشند و بستری برای طرح پرسش، گفت‌وگو، افزایش آگاهی و تغییر نگرش شهروندان فراهم کنند. معاون فرهنگی و هنری سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری اصفهان با تأکید بر نقش فراتر کتابخانه‌ها از نگهداری و امانت کتاب گفت: کتابخانه می‌تواند محلی برای پرسشگری، تعامل اجتماعی و شکل‌گیری نگرش‌های متفاوت باشد و حتی در حوزه تبلیغات و ترویج فرهنگ نیز نقش مؤثری ایفا کند. ستوده‌فر ادامه داد: حرکت به این سمت یکی از اقدامات ضروری در حوزه فرهنگ است، البته تحقق این هدف مستلزم آن است که ابتدا خود ما به این باور برسیم و از درون برای آن تلاش کنیم. او تصریح کرد: اگر به‌عنوان فردی که درباره کتاب و حرکت فرهنگی صحبت می‌کنم، معتقدم باید تصویرگر و مروج این حرکت باشم و لازم است پیش از هر چیز در این مسیر پیش‌قدم شوم. معاون فرهنگی و هنری سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری اصفهان ادامه داد: باید اهل کتاب‌خوانی و ترویج کتاب باشیم و برای برگزاری برنامه‌های مرتبط با کتاب و افزایش دانش و سطح آگاهی خود تلاش بیشتری انجام دهیم. ستوده‌فر خاطرنشان کرد: باید تلاش کنیم حضور و نقش‌آفرینی فعالان حوزه کتاب و کتابخانه در جامعه پررنگ‌تر شود و با انجام اقدامات مؤثر، فرهنگ مطالعه را بیش از گذشته توسعه دهیم.

اصفهان میزبان نمایشگاه اتوکام و بازی‌های دیجیتال

مدیر روابط عمومی نمایشگاه بین‌المللی اصفهان گفت: بیست‌وهفتمین نمایشگاه اتوکام و دومین نمایشگاه بازی‌های دیجیتال اصفهان با حضور ۵۸ مشارکت‌کننده و در فضایی به وسعت ۱۰ هزار مترمربع، از ۲۶ تا ۲۹ آبان در شهر نمایشگاهی اصفهان برگزار می‌شود.

رضا احمدی‌اصل اظهار کرد: بیست‌وهفتمین نمایشگاه اتوکام و دومین نمایشگاه بازی‌های دیجیتال با هدف معرفی تازه‌ترین دستاوردها و توانمندی‌های فعالان حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات، هوش مصنوعی، تحول دیجیتال و بازی‌های دیجیتال برگزار می‌شود. او افزود: این رویداد با حضور ۵۸ مشارکت‌کننده و در فضایی به وسعت ۱۰ هزار مترمربع، فرصتی برای معرفی ظرفیت‌ها، تبادل تجربیات و آشنایی با آخرین تحولات و فناوری‌های نوین در عرصه اقتصاد دیجیتال فراهم می‌کند. مدیر روابط عمومی نمایشگاه بین‌المللی اصفهان با اشاره به برنامه‌های جانبی این نمایشگاه تصریح کرد: برگزاری مسابقات بازی‌های رایانه‌ای، مسابقات رباتیک و کارگاه‌های آموزشی از جمله برنامه‌های پیش‌بینی‌شده در این رویداد است که در کنار بخش‌های نمایشگاهی، زمینه تعامل بیشتر علاقه‌مندان، متخصصان و فعالان حوزه فناوری را فراهم می‌آورد. احمدی‌اصل درباره زمان بازدید از نمایشگاه گفت: علاقه‌مندان می‌توانند روز چهارشنبه ۲۶ آبان از ساعت ۱۱:۰۰ تا ۲۱:۳۰ و روزهای پنجشنبه تا شنبه از ساعت ۱۴:۰۰ تا ۲۱:۳۰ از این نمایشگاه در شهر نمایشگاهی اصفهان بازدید کنند.

دل‌نواز؛ گشت فرهنگی در دنیای تاریخ تخت‌فولاد اصفهان

مدیر مجموعه تاریخی، فرهنگی و مذهبی تخت‌فولاد شهرداری اصفهان از برگزاری برنامه «دل‌نواز» با محوریت آشنایی با دیدنی‌ها و شنیدنی‌های تخت‌فولاد و تجربه گشت‌وگذار در دنیای کتاب‌ها خبر داد.

ابراهیم عمرانی اظهار کرد: برنامه «دل‌نواز» با هدف معرفی ظرفیت‌های تاریخی و فرهنگی تخت‌فولاد و فراهم کردن تجربه‌ای متفاوت از حضور در این مجموعه، پنجشنبه، بیست‌وهشتم آبان برگزار خواهد شد. او افزود: در این برنامه، شرکت‌کنندگان ضمن گشت‌وگذار در فضای تاریخی تخت‌فولاد، با دیدنی‌ها و شنیدنی‌های این مجموعه آشنا می‌شوند و تجربه‌ای متفاوت از همراهی با دنیای کتاب‌ها خواهند داشت. مدیر مجموعه تاریخی، فرهنگی و مذهبی تخت‌فولاد شهرداری اصفهان با اشاره به روایتگری عبدالرسول امینی در این برنامه تصریح کرد: این گشت فرهنگی از ساعت ۱۵:۰۰ پنجشنبه آغاز خواهد شد و نقطه آغاز بازدید، تکیه بابارکن‌الدین در مجموعه تخت‌فولاد خواهد بود. عمرانی خاطرنشان کرد: برنامه «دل‌نواز» فرصتی برای شناخت بیشتر گنجینه‌های تاریخی و فرهنگی تخت‌فولاد و تجربه حضور در فضایی آمیخته با تاریخ، فرهنگ و ادبیات است.

مشارکت شهروندان؛ حلقه مفقوده برنامه‌ریزی شهری در ایران



مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی شهری، مفهومی فراتر از برگزاری جلسات مشورتی، توزیع پرسش‌نامه و دریافت نظرات عمومی است؛ مفهومی که به گفته کارشناسان، زمانی می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی شهری منجر شود که شهروندان در فرآیند تصمیم‌گیری، تعیین اولویت‌ها و نظارت بر اجرای برنامه‌ها نقش واقعی داشته باشند. تجربه اصفهان در زمینه مشارکت عمومی، اگرچه از سوی برخی صاحب‌نظران تجربه‌ای موفق و ارزشمند ارزیابی شده است، اما بررسی چالش‌های آن نشان می‌دهد که فاصله قابل‌توجهی میان مشارکت صوری و مشارکت اثربخش در نظام برنامه‌ریزی شهری ایران وجود دارد.

در وبینار تخصصی «چالش‌های مشارکت عمومی در طرح‌های جامع شهری»، پرویز پیران، مشاور ارشد سازمان ملل، و مهدی ژیان‌پور، عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی و مشاور طرح جامع اصفهان، با بررسی ابعاد تاریخی، اجتماعی، نظری و اجرایی مشارکت عمومی، بر ضرورت بازنگری در شیوه‌های برنامه‌ریزی شهری تأکید کردند. محور اصلی این نشست آن بود که برنامه‌ریزی شهری بدون شناخت دقیق جامعه، تاریخ، ساختارهای اجتماعی و شرایط اقتصادی شهروندان نمی‌تواند به اهداف خود دست پیدا کند. از سوی دیگر، مشارکت نیز زمانی معنا پیدا می‌کند که دیدگاه‌ها و تجربه‌های مردم بتواند بر محتوای تصمیم‌های نهایی اثر بگذارد و مناسبات قدرت و مسئولیت‌پذیری در اداره شهر را تحت تأثیر قرار دهد.

تجربه اصفهان؛ گامی ارزشمند در مسیر مشارکت‌عمومی

پرویز پیران در این نشست با اشاره به تجربه مشارکت شهروندی در اصفهان، این تجربه را در شرایط کنونی ایران موفق و ارزشمند توصیف کرد و گفت: کاری که در چارچوب شرایط امروز ایران و با توجه به سطح نهادی، علمی، فنی، رفتاری و اجتماعی مفهوم مشارکت در اصفهان انجام شده، تجربه‌ای موفق است. او با بیان اینکه از ابتدای شکل‌گیری این تجربه در جریان روند آن بوده است، تأکید کرد که ارزیابی مثبت از عملکرد یک پروژه نباید موجب شود مسئله مشارکت در ایران را محدود به همان تجربه بدانیم. به گفته پیران، مشارکت عمومی یکی از مسائل مهم و حیاتی جامعه ایران است و برای تحقق آن باید مجموعه‌ای از شرایط تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و نهادی مورد توجه قرار گیرد. به همین دلیل، موفقیت یک پروژه در مقیاس شهری را نمی‌توان به معنای نهادینه شدن مشارکت در سطح جامعه تلقی کرد. این مشاور ارشد سازمان ملل همچنین بر ضرورت نقدپذیری در فعالیت‌های علمی و اجرایی تأکید کرد و دانش را پدیده‌ای ناتمام و همواره نیازمند تکمیل دانست. او با اشاره به دیدگاه ماکس وبر درباره باز بودن دانش به روی نقد اظهار کرد که ارزش دانش تنها در میزان اطلاعات و تجربیات انباشته‌شده نیست، بلکه زمانی اهمیت پیدا می‌کند که بتواند به خرد جمعی اضافه شود و زمینه‌ای برای پیشرفت شناخت مشترک فراهم کند.از نگاه پیران، یکی از مشکلات مهم در حوزه برنامه‌ریزی شهری، استفاده از نظریه‌ها و الگوهای علمی بدون شناخت زمینه تاریخی و اجتماعی شکل‌گیری آن‌هاست.وی تأکید کرد که دستاوردهای علمی کشورهای غربی بخشی از میراث مشترک بشری هستند، اما استفاده از آن‌ها نباید به تقلید بدون شناخت شرایط و نیازهای جامعه منجر شود.

چرا برنامه‌ریزی شهری بدون شناخت جامعه ناکام‌می‌ماند؟

پیران در تشریح ریشه‌های تاریخی برنامه‌ریزی شهری، به تحولات اقتصادی و اجتماعی اروپا و آمریکا در دوره گسترش سرمایه‌داری اشاره کرد و گفت که توسعه سریع شهرها در این دوره، مشکلات گسترده‌ای را برای جمعیت شهری به وجود آورد. با گسترش فعالیت‌های اقتصادی و افزایش سرمایه‌گذاری، مناطق مرکزی شهرها، به‌ویژه مراکز فعالیت‌های تجاری یا CBD، به کانون توجه سرمایه‌داران تبدیل شدند. همزمان، امکانات جدید و فرصت‌های شغلی موجب مهاجرت گسترده جمعیت روستایی و سایر گروه‌های اجتماعی به شهرها شد. با این حال، زیرساخت‌ها و امکانات شهری متناسب با این افزایش جمعیت توسعه پیدا نکرده بود. نتیجه این وضعیت، شکل‌گیری محله‌های محروم، گسترش فقر شهری و افزایش مشکلات بهداشتی و اجتماعی بود. پیران با اشاره به گزارش‌های تاریخی درباره وضعیت زندگی فقرا در لندن توضیح داد که در برخی دوره‌ها، متخصصان بهداشت نسبت به پیامدهای مهاجرت گسترده به این شهر هشدار می‌دادند؛ زیرا امکانات لازم برای پذیرش جمعیت جدید وجود نداشت و شرایط زندگی در بسیاری از محله‌ها نامناسب بود.

در چنین شرایطی، مسئله شهر دیگر صرفاً ساخت خیابان، ساختمان و توسعه زیرساخت‌ها نبود، بلکه پرسش‌های مهم‌تری درباره کیفیت زندگی، عدالت اجتماعی، فقر، سلامت عمومی و وضعیت گروه‌های مختلف جمعیتی مطرح شد. به اعتقاد پیران، همین تحولات زمینه شکل‌گیری علوم اجتماعی و گسترش برنامه‌ریزی شهری را فراهم کرد. برنامه‌ریزی به‌تدریج به ابزاری برای مواجهه با پیامدهای اجتماعی توسعه شهرها تبدیل شد؛ ابزاری که قرار بود علاوه بر ابعاد کالبدی و اقتصادی، شرایط زندگی اقشار مختلف جامعه را نیز در نظر بگیرد. او تأکید کرد: طرح جامع شهری نیز در چنین بستری معنا پیدا می‌کند؛ زیرا قرار نیست توسعه شهر صرفاً در خدمت منافع گروه‌های برخوردار یا سرمایه‌گذاران باشد، بلکه باید آینده شهر و نیازهای متنوع شهروندان را مورد توجه قرار دهد.

مشارکت مستقیم؛ فراتر از انتخاب نمایندگان

یکی دیگر از محورهای مهم سخنان پیران، تغییر مفهوم مشارکت در دوران جهانی‌شدن اقتصادی بود. او توضیح داد: با گسترش جهانی‌سازی اقتصادی، بخشی از نهادهای اجتماعی تضعیف شدند و در مقابل، قدرت سرمایه‌داری سازمان‌یافته افزایش یافت. در چنین شرایطی، نقش مشارکت نمایندگی، که عمدتاً از طریق انتخاب نمایندگان در نهادهای رسمی و پارلمان تحقق پیدا می‌کند، برای پاسخگویی به مسائل پیچیده جامعه کافی به نظر نمی‌رسید. به گفته او، در این دوره ضرورت حرکت به سمت مشارکت مستقیم‌تر شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری مطرح شد. این تغییر رویکرد به آن معناست که شهروندان نباید تنها در جایگاه افرادی قرار بگیرند که از آن‌ها نظرسنجی می‌شود یا درباره علاقه‌مندی‌هایشان سؤال می‌شود، بلکه باید امکان حضور واقعی در تصمیم‌گیری و اجرای طرح‌ها را داشته باشند. پیران در همین زمینه به مفهوم ذی‌نفعان اشاره کرد و گفت: ترجمه رایج این واژه نمی‌تواند تمام ابعاد آن را منتقل کند. در واقع، در فرآیند برنامه‌ریزی باید همه افرادی که به شکلی از اجرای یک طرح تأثیر می‌پذیرند، مورد توجه قرار گیرند. او به‌ویژه بر ضرورت شناسایی زیان‌بینان تأکید کرد و توضیح داد که گروه‌هایی که از اجرای یک طرح متضرر می‌شوند، ممکن است به مخالفان جدی آن تبدیل شوند. بنابراین، برنامه‌ریزی شهری باید پیش از اتخاذ تصمیم‌های نهایی، پیامدهای طرح را برای همه گروه‌های اجتماعی بررسی کند.

جامعه ایران و دشواری برنامه‌ریزی برای آینده

یکی از بخش‌های مهم سخنان پیران به شرایط اجتماعی و اقتصادی ایران و تأثیر آن بر امکان مشارکت شهروندان اختصاص داشت. او با اشاره به اینکه شرایط جامعه ایران در سال‌های اخیر تغییرات قابل‌توجهی داشته است، گفت که برنامه‌ریزی اساساً با آینده و امکان تصور آینده ارتباط دارد؛ اما بخش قابل‌توجهی از جامعه ایران با دشواری در ترسیم چشم‌انداز روشن از زندگی خود روبه‌رو است. پیران اظهار کرد: از سال ۱۳۹۴ نشانه‌هایی از ورود جامعه ایران به وضعیت «جامعه لحظه‌ای» مشاهده می‌کرده و بعدها به این نتیجه رسیده است که این وضعیت به مفهوم «جامعه آستانه‌ای» نیز نزدیک شده است. او با اشاره به وضعیت معیشتی شهروندان گفت که دست‌کم ۶۰ درصد جامعه ایران چشم‌انداز روشنی از آینده خود ندارند. به گفته او، هنگامی که افراد از آینده اقتصادی و اجتماعی خود اطمینان ندارند، بخش عمده انرژی و توان آن‌ها صرف تأمین نیازهای روزمره و حفظ شرایط موجود می‌شود. در چنین وضعیتی، امکان برنامه‌ریزی بلندمدت برای زندگی، مشارکت اجتماعی و پیگیری مسائل عمومی کاهش پیدا می‌کند. پیران در مقایسه شرایط نسل‌های گذشته و امروز توضیح داد که در گذشته بسیاری از افراد از دوران کودکی می‌توانستند تصویری نسبتاً مشخص از مسیر زندگی خود داشته باشند؛ مسیری که شامل تحصیل، اشتغال، تشکیل خانواده و دستیابی به ثبات اقتصادی بود. اگرچه دستیابی به چنین اهدافی برای همه افراد آسان نبود، اما امکان تصور یک مسیر نسبتاً پایدار برای آینده وجود داشت. او افزود: امروز بخش زیادی از جامعه حتی برای حفظ شرایط زندگی در کوتاه‌مدت با دشواری روبه‌رو است و این وضعیت بر توانایی افراد برای برنامه‌ریزی و مشارکت در امور عمومی اثر می‌گذارد. این دیدگاه نشان می‌دهد که مشارکت شهری را نمی‌توان جدا از شرایط اقتصادی و اجتماعی شهروندان بررسی کرد. شهروندی که بخش عمده توان خود را صرف تأمین معیشت می‌کند، ممکن است فرصت و انگیزه کمتری برای حضور مستمر در فرآیندهای برنامه‌ریزی شهری داشته باشد.

جابه‌جایی گروه‌های اجتماعی و تغییر ساختار شهرها

پیران در بخش دیگری از سخنان خود به رابطه میان تحولات اجتماعی و تغییرات فضایی شهرها اشاره کرد. او با استناد به دیدگاه‌های فردریش انگلس درباره وضعیت زندگی طبقات اجتماعی، بر اهمیت بررسی فرایند رانده شدن گروه‌های اجتماعی از فضاهای شهری تأکید کرد. به گفته او، تغییرات اقتصادی و اجتماعی می‌تواند موجب شود گروه‌هایی از شهر به مناطق دیگر منتقل شوند و در مقابل، گروه‌های جدیدی در فضاهای شهری مستقر شوند. این جابه‌جایی‌ها به‌تدریج چهره محله‌ها و ساختار اجتماعی شهر را تغییر می‌دهد. از این منظر، برنامه‌ریزی شهری نباید تنها به بررسی موقعیت ساختمان‌ها، معابر و کاربری زمین محدود شود، بلکه باید پیامدهای اجتماعی تصمیم‌های شهری را نیز در نظر بگیرد. پیران همچنین تأکید کرد که تحولات نظام سرمایه‌داری و مناسبات قدرت در سطح جهانی نیز بر فرآیندهای برنامه‌ریزی تأثیر می‌گذارند و نمی‌توان مسائل شهری را جدا از تحولات گسترده‌تر اقتصادی و سیاسی تحلیل کرد.

سه مانع اصلی مشارکت عمومی در طرح جامع اصفهان

در بخش دیگری از این وبینار، مهدی ژیان‌پور، عضو هیئت علمی جهاد دانشگاهی و مشاور طرح جامع اصفهان، با بررسی تجربه اجرایی مشارکت عمومی در این شهر، سه چالش اساسی را در مسیر تحقق مشارکت اثربخش تشریح کرد.او گفت:امروز دیگر نمی‌توان تنها درباره ضرورت مشارکت صحبت کرد، بلکه باید کیفیت آن و میزان تأثیرگذاری شهروندان بر تصمیم‌های شهری مورد ارزیابی قرار گیرد. به گفته ژیان‌پور، مشارکت عمومی سه کارکرد اصلی دارد: نخست، کمک به شناخت بهتر مسائل و تولید دانش؛ دوم، ایفای نقش در توزیع قدرت؛ و سوم، ایجاد احساس مسئولیت مشترک میان مردم و مسئولان در قبال تصمیم‌های شهری. او تأکید کرد: مشارکت نباید به مرحله تهیه مطالعات محدود شود، بلکه لازم است در تمام مراحل برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت استمرار داشته باشد. همچنین باید مشخص باشد که نظرات شهروندان چگونه ثبت شده‌اند، کدام پیشنهادها مورد پذیرش قرار گرفته‌اند، کدام پیشنهادها کنار گذاشته شده‌اند و دلیل این تصمیم‌ها چه بوده است.از نگاه ژیان‌پور، مشارکت زمانی اثربخش است که شهروندان بدانند دیدگاه‌هایشان چه جایگاهی در فرآیند تصمیم‌گیری دارد و نهادهای مسئول نیز درباره نحوه برخورد با پیشنهادهای عمومی پاسخگوباشند.

نخستین چالش؛ ضعف زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی

ژیان‌پور نخستین مانع مشارکت عمومی را نبود یا ضعف زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی لازم برای تحقق آن دانست. او توضیح داد: مشارکت صرفاً مجموعه‌ای از قوانین، نهادها، جلسات و روش‌های اجرایی نیست، بلکه پیش از هر چیز یک واقعیت اجتماعی محسوب می‌شود. به گفته او، برای شکل‌گیری مشارکت باید هم شهروندان تمایل و انگیزه لازم برای حضور در امور عمومی را داشته باشند و هم مدیران و نهادهای مسئول، ظرفیت پذیرش حضور و اثرگذاری مردم را پیدا کنند. ژیان‌پور این دو مؤلفه را با عنوان مشارکت‌جویی و مشارکت‌پذیری مطرح کرد. در واقع، از یک سو شهروندان باید مشارکت در امور شهر را بخشی از مسئولیت اجتماعی خود بدانند و از سوی دیگر، مدیران شهری نیز باید حضور، اظهارنظر، نقد و مطالبه‌گری شهروندان را بخشی طبیعی از فرآیند اداره شهر تلقی کنند. او با اشاره به برخی تجربه‌های موجود گفت که در بعضی نهادهای رسمی، مشارکت نه به‌عنوان یک ارزش اجتماعی، بلکه به‌عنوان عاملی مزاحم در روند فعالیت‌های اداری تلقی می‌شود. در چنین شرایطی، شهروندی که پیگیر مسائل عمومی است، ممکن است به‌جای آنکه به‌عنوان یک مشارکت‌کننده مؤثر شناخته شود، فردی مزاحم تلقی شده و از فرآیند تصمیم‌گیری کنار گذاشته شود. ژیان‌پور همچنین بر ضرورت پذیرش دانش و تجربه شهروندان از سوی متخصصان تأکید کرد و گفت که گاهی پس از جمع‌آوری دیدگاه‌های مردم، این اطلاعات در فرآیند تخصصی برنامه‌ریزی چندان جدی گرفته نمی‌شود. به اعتقاد او، دانش تخصصی برنامه‌ریزان و تجربه زیسته شهروندان باید در کنار یکدیگر قرار گیرند تا تصمیم‌های شهری با واقعیت‌های زندگی مردم هماهنگ‌تر باشند.

دومین چالش؛ غلبه نگاه فنی بر مسائل اجتماعی

مشاور طرح جامع اصفهان دومین چالش مهم را غلبه نگاه فنی بر مسائل اجتماعی و فرهنگی در فرآیند برنامه‌ریزی شهری عنوان کرد. او توضیح داد: طرح‌های جامع شهری با رویکرد جدید قرار بود از الگوهای سنتی، به‌ویژه طرح‌های تیپ ۱۲ که بیشتر بر مسائل کالبدی و اقتصادی و نظر متخصصان تأکید داشتند، فاصله بگیرند. با این حال، به گفته ژیان‌پور، با وجود گذشت حدود شش تا هفت سال از تلاش برای اجرای رویکرد جدید، نگاه فنی همچنان بر بخش قابل‌توجهی از فرآیند برنامه‌ریزی غلبه دارد. او با اشاره به تجربه فعالیت تیم اجتماعی در پروژه اصفهان اظهار کرد که اعضای این تیم گاهی احساس می‌کنند در مجموعه همکاران پروژه تنها مانده‌اند. مسئله اصلی از نگاه او، دشواری تبدیل خواسته‌ها و نیازهای شهروندان به تصمیم‌های واقعی درباره فضای شهر است. به بیان دیگر، ممکن است اطلاعات اجتماعی و دیدگاه‌های شهروندان در مراحل مختلف تهیه طرح جمع‌آوری شوند، اما در نهایت در تصمیم‌های اصلی جایگاه مؤثری پیدا نکنند. ژیان‌پور تأکید کرد: چنین وضعیتی مشارکت را به جمع‌آوری اطلاعات محدود می‌کند و مانع از آن می‌شود که تجربه شهروندان بر جهت‌گیری‌های طرح جامع اثر بگذارد.

سومین چالش؛ مشارکت نهادی و ضعف مسئولیت‌پذیری سازمان‌ها

ژیان‌پور سومین مانع را چالش مشارکت نهادی دانست و گفت که تجربه اصفهان نشان می‌دهد شهروندان همچنان ظرفیت و آمادگی قابل‌توجهی برای حضور در فرآیندهای مشارکتی دارند. او با اشاره به استقبال شهروندان از برنامه‌های گفت‌وگو و مشارکت اظهار کرد که مردم همچنان به شهر و زندگی شهری خود احساس تعلق دارند و برای مسائل آن اهمیت قائل هستند. با این حال، مشارکت نهادها با مشکلاتی همچون حضور کم‌رنگ، ضعف احساس مسئولیت و کمبود ظرفیت همکاری روبه‌رو است. یکی از نمونه‌های این مشکل، وضعیت شوراهای راهبری و جلسات مشترک میان دستگاه‌های مختلف است. به گفته ژیان‌پور، ممکن است نمایندگان دستگاه‌ها در جلسات حضور داشته باشند، اما خود را به‌طور واقعی درگیر فرآیند تهیه طرح ندانند. او تأکید کرد: حضور فیزیکی نمایندگان در جلسات دو یا سه‌ساعته به‌معنای تعهد سازمانی نیست و برای تحقق مشارکت نهادی باید مسئولیت‌پذیری دستگاه‌ها در تمام مراحل پروژه تضمین شود. دومین مسئله، نبود شناخت کافی از ماهیت و اهداف طرح جامع است. گاهی نمایندگان دستگاه‌های مختلف در جلسات، انتظاراتی را مطرح می‌کنند که با مقیاس، محدوده و سطح مداخله طرح جامع تناسب ندارد. این مسئله موجب می‌شود گفت‌وگوها از مسیر اصلی خارج شوند و هماهنگی میان نهادها دشوارتر شود. سومین مشکل، تغییر مداوم نمایندگان دستگاه‌هاست. ژیان‌پور توضیح داد که گاهی در هر جلسه با نماینده جدیدی از یک سازمان روبه‌رو می‌شوند و این تغییر موجب می‌شود توافق‌ها و گفت‌وگوهای قبلی به‌درستی در سازمان‌ها حفظ نشود. در نتیجه، بخشی از زمان جلسات صرف توضیح دوباره فرآیند می‌شود و مسئولیت‌پذیری دستگاه‌ها نسبت به توافق‌های گذشته کاهش پیدا می‌کند. او تأکید کرد: رفع این مشکلات می‌تواند نقش مهمی در افزایش اثربخشی همکاری میان نهادها و بهبود کیفیت طرح جامع شهری داشته باشد.

چهار پرسش اساسی برای سنجش کیفیت مشارکت

مشاور طرح جامع اصفهان برای ارزیابی کیفیت مشارکت عمومی، چهار پرسش اساسی را مطرح کرد که می‌توانند به‌عنوان معیار بررسی عملکرد طرح‌های شهری مورد توجه قرار گیرند. نخستین پرسش به زمینه اجتماعی و فرهنگی مربوط است: آیا شهروندان و مدیران شهری مشارکت را به‌عنوان یک ارزش پذیرفته‌اند؟ پرسش دوم در حوزه تخصص و دانش برنامه‌ریزی مطرح می‌شود: آیا متخصصان شهری می‌توانند دانش و تجربه شهروندان و مسائل اجتماعی مطرح‌شده از سوی آن‌ها را در تصمیم‌های خود به کار بگیرند؟ پرسش سوم به ساختار سازمانی و نهادی مربوط است: آیا سازمان‌های مسئول با شناخت کافی از فرآیند، اختیار لازم، ثبات نمایندگی و تعهد مستمر در تهیه طرح حضور دارند؟ چهارمین پرسش نیز به حوزه حکمرانی و تصمیم‌گیری اختصاص دارد: آیا مشارکت عمومی می‌تواند بر توزیع قدرت و منافع اثر بگذارد و موجب شود تصمیم‌های نهایی عادلانه‌تر و پاسخگوتر باشند؟ این چهار پرسش نشان می‌دهد که ارزیابی مشارکت نباید تنها بر تعداد جلسات برگزارشده، تعداد افراد حاضر یا حجم نظرات جمع‌آوری‌شده استوار باشد، بلکه باید میزان اثرگذاری واقعی مشارکت بر تصمیم‌های شهری را نیز در بر بگیرد.

مشارکت واقعی باید محتوای طرح جامع را تغییر دهد

ژیان‌پور در جمع‌بندی سخنان خود تأکید کرد: پس از حدود شش تا هفت سال فعالیت در حوزه مشارکت عمومی، اکنون زمان آن رسیده است که توجه از اصل مشارکت به سمت کیفیت و اثربخشی آن تغییر کند. او هشدار داد که اجرای نادرست فرآیندهای مشارکتی حتی می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد و موجب بی‌اعتمادی شهروندان شود. به گفته او، اگر مردم در جلسات شرکت کنند، دیدگاه‌های خود را مطرح کنند و در نهایت هیچ اثری از نظراتشان در تصمیم‌های نهایی مشاهده نشود، نمی‌توان ادعا کرد که مشارکت عمومی به شکل مطلوب تحقق یافته است. از نگاه او، مسئله اصلی این است که مشارکت عمومی چگونه می‌تواند ماهیت، محتوای تصمیم‌ها و جهت‌گیری‌های طرح جامع را تغییر دهد. صرف قرار دادن عنوان مشارکت در کنار فرآیند تهیه طرح جامع، نمی‌تواند اهداف مورد انتظار را محقق کند.

آینده برنامه‌ریزی شهری در گرو بازتعریف رابطه مردم و مدیریت شهری

مجموع دیدگاه‌های مطرح‌شده در این وبینار نشان می‌دهد که مسئله مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی شهری ایران با مجموعه‌ای از چالش‌های به‌هم‌پیوسته روبه‌رو است؛ چالش‌هایی که از ضعف زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی آغاز می‌شوند و تا ساختارهای نهادی، شیوه تصمیم‌گیری و توزیع قدرت ادامه پیدا می‌کنند. تجربه اصفهان از یک سو نشان داده است که شهروندان همچنان علاقه و ظرفیت لازم برای حضور در فرآیندهای مرتبط با شهر را دارند و از سوی دیگر، آشکار کرده است که تبدیل این ظرفیت اجتماعی به مشارکت اثربخش، به اصلاح سازوکارهای اداری و تخصصی نیاز دارد.

بر اساس دیدگاه کارشناسان این نشست، برای عبور از مشارکت تشریفاتی باید چند تغییر اساسی در نظام برنامه‌ریزی شهری اتفاق بیفتد: نخست، نظرات شهروندان باید از مرحله جمع‌آوری اطلاعات فراتر برود و در تصمیم‌گیری‌ها اثرگذار باشد؛ دوم، دستگاه‌های مسئول باید به‌جای حضور مقطعی در جلسات، تعهد سازمانی مستمر داشته باشند؛ سوم، دانش تخصصی و تجربه زیسته شهروندان باید در کنار یکدیگر قرار گیرند؛ و چهارم، فرآیند تصمیم‌گیری باید شفاف‌تر و پاسخگوتر شود. در نهایت، برنامه‌ریزی شهری زمانی می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی شهروندان منجر شود که شهر را نه صرفاً مجموعه‌ای از ساختمان‌ها، خیابان‌ها و زیرساخت‌ها، بلکه فضایی اجتماعی و به‌هم‌پیوسته بداند که زندگی گروه‌های مختلف مردم در آن جریان دارد. تجربه اصفهان در این مسیر، گامی ارزشمند ارزیابی شده است؛ اما همان‌طور که کارشناسان این نشست تأکید کردند، تحقق مشارکت واقعی به یک پروژه یا شهر محدود نمی‌شود. این هدف نیازمند شکل‌گیری فرهنگ مشارکت، پذیرش نقد، مسئولیت‌پذیری نهادها و فراهم شدن امکان اثرگذاری واقعی شهروندان بر آینده شهرهاست.

خبر

جوشقان قالی زیر بار محرومیت

رئیس شورای اسلامی شهر جوشقان قالی با اشاره به بی‌توجهی‌های انباشته‌شده در سال‌های گذشته، وضعیت جاده مواصلاتی، کمبود کادر درمان و خلف وعده نظام مهندسی را از چالش‌های جدی این منطقه برشمرد و خواستار نگاه ویژه مسئولان به مناطق دورافتاده شد.

حسین حیدری در جلسه شورای اداری شهرستان کاشان با بیان اینکه مشکلات جوشقان قالی حاصل بی‌توجهی‌های انباشته‌شده در سال‌های گذشته است، اظهار کرد: امروز هر میزان هزینه‌ای که در شهر می‌شود، به دلیل عمق محرومیت‌ها و ویرانی‌های گذشته چندان به چشم نمی‌آید و هر بار که مطالبه‌ای مطرح می‌شود، نبود بودجه عمرانی بهانه قرار می‌گیرد. او با اشاره به خطرات جدی جاده مواصلاتی این منطقه که علاوه بر جوشقان قالی، مسیر تردد شبانه‌روزی شهر و روستاهای کامو و چوگان، جوین، کلوخ و... نیز هست، افزود: با فرارسیدن فصول پاییز و زمستان و مه‌آلود شدن هوا، رانندگی در این محور به شدت حادثه‌آفرین شده است؛ به‌طوری که نه خط‌کشی مناسبی در حاشیه جاده وجود دارد و نه علائم راهنمایی و روشنایی در نقاط حادثه‌خیز نصب شده است. رئیس شورای اسلامی شهر جوشقان قالی با اشاره به محقق نشدن وعده‌های مربوط به آسفالت این مسیر تصریح کرد: در پیگیری‌هایی که همراه با بخشدار در تهران و نزد معاون وزیر داشتیم، وعده آسفالت ۲۰ کیلومتر از این جاده داده شد که از این میزان تنها چهار کیلومتر اجرا شده و هشت کیلومتر دیگر را به سال ۱۴۰۵ موکول کرده‌اند؛ در حالی که با سرد شدن هوا عملاً امکان آسفالت‌ریزی وجود ندارد و حتی برای نصب چند چراغ روشنایی در نقاط حادثه‌خیز نیز اعلام می‌کنند بودجه نداریم. حیدری با تأکید بر اینکه با مدیریت جهادی و استفاده از بودجه جاری و امکانات موجود می‌توان بسیاری از گره‌ها را باز کرد، گفت: طی سه سال گذشته صورت‌جلسات متعددی با مسئولان دانشگاه علوم پزشکی و شبکه بهداشت تنظیم شد و با پیگیری‌های فراوان، درمانگاه شهر را شبانه‌روزی کردیم و حتی از تهران آمبولانس گرفتیم، اما وعده تأمین نیروی پذیرش و پرستار عملی نشد.

وی ادامه داد: پس از اعلام فراخوان عمومی، شش نیروی واجد شرایط را به دانشگاه علوم پزشکی معرفی کردیم، اما در حالی که برای سایر مناطق جذب نیرو انجام شد، سهمیه جوشقان قالی نادیده گرفته شد. همچنین این درمانگاه به جای پنج پرستار، تنها با سه پرستار اداره می‌شود و زمانی هم که با تلاش فراوان پرستاری را از شاهین‌شهر برای همکاری متقاعد کردیم، به دلیل تعلل در به‌کارگیری، آن نیرو منصرف شد. حیدری به بدعهدی سازمان نظام مهندسی نیز اشاره کرد و گفت: طبق مصوبه سه سال پیش در بخشداری، مقرر شد کارشناسان نظام مهندسی به‌صورت هفتگی و چرخشی در جوشقان قالی و کامو و چوگان مستقر شوند. این دفتر پس از پیگیری‌های فراوان سرانجام ششم مهرماه امسال افتتاح شد، اما پس از همان روز اول دیگر هیچ مراجعه‌ای از سوی کارشناسان نشد و امروز جوانانی داریم که جهیزیه خود را به خانه برده‌اند اما به دلیل نداشتن تأییدیه و انشعاب گاز، امکان آغاز زندگی مشترک ندارند.

مشکلات زیرساختی، راه و جهش قیمت قیر

حسین عبدلی، نماینده مردم نطنز، بادرود و قمصر در مجلس شورای اسلامی افزود: تصور مدیران مملکت و ارزیابی شرایط ملی نشان می‌دهد که ما در وضعیت خاصی قرار داریم؛ توقعات عمومی در حد معقول است، اما امکانات و اعتبارات به شدت محدودند. او تصریح کرد: نظر شخصی من این است که قانون معادن باید اصلاح شود و منابع باید ملی شوند. همان‌طور که شرکت نفت ملی شد، منابع معدنی نیز باید پس از برداشت به خزانه واریز شده و از آنجا میان بخش خصوصی و مردم توزیع شود. نماینده مردم نطنز، با انتقاد از نحوه توزیع حقوق دولتی معادن خاطرنشان کرد: گزارش دیوان محاسبات حاکی از آن است که از مجموع رقم پیش‌بینی‌شده، میزان وصولی و پرداخت به سازمان برنامه و بودجه بسیار کمتر از واقعیت بوده است. واگذاری معادن به بخش خصوصی با این سبک و نظارت ضعیف، منطقی و عادلانه نیست و ثروت‌های خدادادی نباید صرفاً در اختیار عده‌ای خاص انباشته شود؛ ما مخالف اشتغال‌آفرینی یا ارزآوری معادن نیستیم، بلکه به دنبال عدالت در توزیع ثروت و بهره‌مندی مردم هستیم. عبدلی به مشکلات جغرافیایی و راه‌های مواصلاتی منطقه به‌ویژه محور قمصر تا جوشقان و کامو اشاره کرد و گفت: این جاده‌ها کوهستانی و حادثه‌خیز بوده و از امکانات کمی برخوردارند. افزایش شدید قیمت قیر از ۲۰ میلیون تومان به ۶۵ میلیون تومان در هر تن، تمام پیمانکاران را با بحران مواجه کرده و با توجه به طلبکار بودن پیمانکاران، بسیاری از پروژه‌های عمرانی معطل مانده‌اند. او با اشاره به بازدیدهای سرزده از مراکز بهداشتی و درمانی منطقه گفت: سرانه خدمات‌دهی وزارت بهداشت بر اساس جمعیت ثابت ثبت‌شده در سامانه‌ها محاسبه می‌شود، در حالی که در فصل تابستان جمعیت قمصر و مناطقی مانند کامو تا ۳۰ الی ۴۰ درصد افزایش می‌یابد. دولت با این حجم از خدمت‌رسانی و بار سنگین یارانه‌ها، نیازمند همراهی و درک متقابل شرایط است. نماینده مردم نطنز پیرامون مشکل آب قمصر نیز یادآور شد: این مشکل ریشه در شرایط اقلیمی و کاهش نزولات آسمانی دارد؛ از سوی دیگر، تردد گردشگران و مهاجرانی که از املاک منطقه استفاده می‌کنند فشار مضاعفی بر زیرساخت‌ها وارد می‌آورد، هرچند اقتصاد قمصر به صنعت گردشگری پیوند خورده است و در وزارت میراث فرهنگی به دنبال طراحی مجموعه‌ای ویژه برای ساماندهی این وضعیت هستیم.